

مسکو: گرم و صمیمی

عبارت فوق عنوان یکی از سرمقاله‌های روزنامه معلوم الحال اطلاعات بمناسبت مسافرت اخیر محمد رضا شاه به شوروی است. مطبوعات درباری ایران این گرمی و صمیمیت را با خرسندی جشن میگیرند ولی آنها در این جشن تنها نیستند. مطبوعات شوروی نیز که روزی بهمانگر آرمانیهای زحمتکشان جهان بودند، امروزه این گرمی و صمیمیت میان رجال شوروی و رژیم نکت با ایران را با مسرت برگذار میکنند.

"حضرت" یادگونی خاطر نشان میسازد که "همکاری اتحاد شوروی و ایران سال به سال قوی و صمیمی میگردد" و سخنراست که "پد هازر پدهای رجال دولتی اتحاد شوروی با ایران و ملاقات های ایشان بمناسبت نیکی مهمل شده است". محمد رضا شاه نیز از "اتحاد بزرگ" مابین طرفین در هیئت "مذاکره میگرد" که "طالب مورد بحث طرفین بحدی با سهولت و حسن تفاهم پیوسته میکند که مابین نتایج رسیدن ما می توانیم اساس ارتباط و مملکت را بر پایه اتحاد بزرگ قرار دهیم".

بدیهی است که این "اتحاد بزرگ" از نظر ملل اتحاد شوروی و ایران مفهوم دیگری بجز خیانت بزرگ ندارد. ملل شوروی و ایران بخوبی میدانند که غرض اصلی این مغالزه سیاسی چیست. آلکسی گاسکین اظهار میدارد: "ما ایل از طرف دولت شوروی و مردم این کشور به شاهنشاه ایران خیر مقدم بگویم و خوشبختی دولت مردم این کشور را از اینکه میهمانان عالیقدر خود را در کشورشان میبینند اظهارنامه... ما خوشنودیم از اینکه داشتن روابط خوب با ایران امکان میدهد یکدیگر را بیشتر ملاقات کنیم و گمان میکنم در ایران نیز مرگ مسافرت شاهنشاه و شهبانور به اتحاد شوروی به همین ترتیب تلقی کنند". در این جملات تنها نیمی از حقیقت نهفته است؛ دولت شوروی و دولت محمد رضا شاه از این دید هازر پدها و سازشهای خانها خرسندند ولی مردم شوروی و ایران از این ماجرا تنها احساس رنگ خوش دارند. کدام عقل سالمی میتواند بپذیرد که کارگران، دهقانان، زحمتکشان و کمونیستهای واقعی شوروی در خود از اینکه شاهنشاه و شهبانور را در همین لندن و استالین - میهنی کفایت از کودتای سرخوش و مسافرت شاهنشاه و پادشاه پادشاهان و شهبانور میبینند احساس خوشبختی نمایند؟

آغاز دوستی شاه و رجال شوروی همزمان با کودتای داور دسته خروشچ در شوروی و برانداختن تدریجی حکومت کارگران بود. هراند از که خروشچ و وارایش از آرمانیهای طبقه کارگر بیشتر دوری گرفتند، ارتباطشان با دست نشانندگان امپریالیسم از جمله با محمد رضا شاه محکمتر گردید. این ارتباط بزودی بصورت یک تئوریزم طرفین درآمد. رژیم محمد رضا شاه برای تحکیم پایه های لیزان حکومت خود نیازمند به استمداد اقتصادی و نظامی ریزیزونیستهای شوروی شد. حکومت ریزیزونیستی شوروی نیز مصلحت دوری جستن از امپریالیست های اقتصادی سوسیالیستی ناکریمبراه بر مایه داری افتاد. بدین خاطر بایستی با امپریالیستها در راه عارت ترشهای ملی شوروی عقب مانده شریک گردد. تا از این راه بتواند بحرانهای اقتصادی را که ناشی از سیاست اقتصادی غیر سوسیالیستی است بتاخیر اندازد:

برای شرکت در غارتهای امپریالیستی نیاز به همزیستی مسالمت آمیز خروشچ بود که نیاز به همکاری با امپریالیستها و احکومت دست نشانده آنها بود. روزنامه اطلاعات در واقع بتوجه مابین مقدمات نویسد: "همکاریهای کنونی ایران و شوروی نمونه بارزی است از این نوع همکاری شرافت خندان و سالم". (البته شرافت و سلامتی که اطلاعات معتقد بآنست). ایران از اولین کشورهای بود که

بقیه در ص ۲

یک اقدام تاریخی

در تاریخ ۱۳۰۱۲ سپتامبر مجلس نمود های جمهوری شوروی سوسیالیستی - آلبانی پس از استماع سخنرانی محمد شیخ و عضو دفتر سیاسی کسپت مرکزی حزب کار آلبانی و رئیس شورای وزیران جمهوری شوروی آلبانی وحت در برامون آن تصویب نامه ای صادر نمود که در آن پیمان دوستی و همکاری با شوروی و اتحاد شوروی را از این پیمان اعلام داشت.

انور خوجه رهبر بزرگ خلق آلبانی در گزارش خود به کنگره پنجم حزب کار آلبانی چنین گفت: "حزب ما دولت ما علیه اقدامات جنایتکارانه ریزیزونیستهای خروشچ و وابستگان آنها که پیمان و رشو و شوروی را تعاون اقتصادی را وسیله اعمال فشار، مداخله و تجاوز علیه کشور ما قرار میدهند مصمانه مبارزه کرده و میکند. ما از حقوق خود ناپایان دفاع خواهیم کرد و خیانت و توطئه های تزارهای جدید کاخ کرملین را علیه منافع و حقوق آلبانی و همچنین علیه حقوق و منافع صلح و سوسیالیسم با قاطعیت افشا خواهیم نمود".

خروج جمهوری شوروی آلبانی از پیمان و رشو نمود از این چنین مبارزه و پایان مرحله از آنست. اقدامی بتمام معنی انقلابی است. حاکی از نیرو، اقدامات و اقتصاد بنفس خلق آلبانی و وفاداری عمیق حزب کار و دولت آلبانی به اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالسم - نالیسم پرولتری است. در موقمی که ریزیزونیستهای چکوسلواکی حلقهای این کشور را از مبارزه با اشتغال مبین خویش باز میدارند و هر روز بیشتر در برابر اراده زمامداران مسکو تسلیم میشوند. چگونگی نمود های آلبانی با اقدام انقلابی خود وظیفه خود را در پیشگاه خلق آلبانی و خلقهای کشورهای پیمان و رشو در پیشگاه انقلاب جهانی با سر بلندی و افتخار انجام داد. مابا این اقدام غمزه سنگینی بر سیاست شوینستی ریزیزونیستهای شوروی وارد ساخت و از این راه مبارزه خلقهای شوروی پیمان و رشو علیه ریزیزونیستهای خود صیگانه نیرو بخشید.

پیمان و رشو در سال ۱۹۵۵ میان کشورهای سوسیالیستی اروپا منعقد گردید با این منظور که نیروهای دفاعی مشترک گنما می تراضی و مرزهای آنها را در برابر امپریالیسم و هیوژه در برابر بلوک کشورهای عضو پیمان اتلانتیک شمالی که امپریالیسم آمریکا در راس آنست حفظ و حراست نماید و همکاری کشورهای سوسیالیستی را در تمام زمینه ها بر اساس اصول مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری توسعه دهد و تقویت کند.

شکره بیستم حزب کمونیست اتحاد شوروی خط مشی مارکسیستی این حزب را در گردون گرد اند و ریزیزونیسم خط مشی ضد اعتدالی و شوینسم ملت بزرگ را بجای آن نشانید. شکره بیستم برای اتحاد شوروی و عهد های از کشورهای سوسیالیستی نقطه چرخشی بود برای نهضت انقلابی جهانی شمات تلخی به بار آورد.

اتخاذ خط مشی ریزیزونیستی و شوینستی و اتحاد سیاست

همکاری با امپریالیسم آمریکا از طرف اتحاد شوروی، پیمان دفاعی و رشو و ابتد ریح به آلت اجرای مقاصد تنگ نظرانه شوینستی و همبران ریزیزونیست شوروی در آوردن پیمان و رشو در دست ریزیزونیستهای شوروی و سیلعه کردن پیمان برای آنکه کشورهای اروپای شرقی را بمناطق نفوذ خود تبدیل کنند. نفوذ سیاسی و اقتصادی خود را به مناطق دیگر توسعه و با امپریالیستهای بند دست های سیاسی بپردازند.

دراورد سته خروشچ باتوسل به این اندیشه نادرست که نیروی دفاعی اتحاد شوروی به تنهایی کافی است برای آنکه هر گجاوز را سر جای خود بنشانند. گوشید کشورهای عضو پیمان را از تقویت نیروی دفاعی خویش باز دارد و آنها را در زیر حمایت کشور شوروی قرار دهد.

دراورد سته خروشچ از قبول حقوق مساوی کشورهای عضو - اداره امور مربوط به پیمان و رشو و اشتغال ورزید و کلیه امور پیمان را در دست خویش متمرکز ساخت.

طی سالهای اخیر اتحاد شوروی باتکیه بر پیمان و رشو - اقداماتی تصیر قرار داد های مربوط به مسلح امنی دست زد که به زیان سوسیالیسم و پیمان انقلاب و سود امپریالیسم آمریکا است، با استفاده از پیمان و رشو، اتحاد شوروی و عهد ستانش گوشیدند از مبارزه آزاد بیخش خلق و پیمان جلو گیرند، آنها با ظاهر خود را مدافع خلقهای عرب جلوه داده و میدهند. ولی در پشت سراز هیچ اقدامی برای بازداشتن خلقهای عرب از مبارزه علیه اسرائیل

گونا گوی نمودند، تجاوز ریزیزونیستهای شوروی و عهد ستانش به چکوسلواکی بروشنی نشان میدهند که پیمان و رشو از وسیله دفاع - کشورهای سوسیالیستی در برابر امپریالیسم سوسیالیسم تجاوزه علیه اعضای این پیمان تبدیل کردید. رفیق شیخ و دوستی خاطر نشان میسازد که: "پیمان و رشو یک در خدمت صلح و سوسیالیسم نیست بجه انترناسیونالیسم پرولتری و به آرمان طبقه کارگر خدمت نمیکند، پایه ایدئولوژیک و طبقاتی اولیه خود را از دست داده است. اکنون این پیمان در خدمت بورژوازی ریزیزونیست است. در خدمت منافع تنگ نظرانه شوینسم ملت بزرگ است که از خصوصیات رهبری ریزیزونیست شوروی است. در خدمت اتحاد ضد انقلابی آمریکا و شوروی و با خطر تسلط بر جهان است. این پیمان مانند پیمان اتلانتیک شمالی که در راس آن آمریکا قرار دارد، به آلت تجاوزه علیه خلقها تبدیل کردید. است"

"ما با خروج از پیمان و رشو تمام جهانمان نشان میدهم که خلق آلبانی مناطق نفوذی برای قدرتهای بزرگ امپریالیست و ریزیزونیست برسمیت نمیشناسد. قبول نمیکند که در یک پیمان تجاوزه کارانه شرکت جوید".

حزب کار آلبانی و دولت جمهوری شوروی آلبانی وظیفه خود را در رقبال پیمان و رشو خویش انجام دادند. آنها گوشیدند این پیمان را در رجا رچوب هدفهاییکه بخاطر

بقیه در ص ۲

بیاد قیرواران شدگان کردستان

مردم را فراهم سازد. این خیالی است که همه جنایتکاران تاریخ در سرداشته اند و دارند و سلطان آرتاناریخ پیوسته نشان داده خواهد داد.

وضع کنونی کردستان با سالهای پیش از جنگ دوم که ساتراپهای رضا خانی مردم سختی کشید و کم آموزش ندید که تشنه آراض و آسایش را در جرم میگذاشتند و کج میگردند، برای یک سکه طلا خانوادگی ای را نابود میکردند، کوش زنان را با کوشوار میگردند تفاوتی سیاسی دارد. اکنون مبارزه خلق کرد مانند سایر خلقهای ایران بدرجه عالی تری از آگاهی سیاسی رسید ماست. اکنون - پیشاهنگان خلق کرد روز بروز بیشتر باین حقیقت پی میروند که حکومت ارتجاعی و فاسد دست نشانده امپریالیسم را فقط از راه

تشکل سیاسی، دست در دست همه خلقهای ایران، و وسیله قهرانقدبی میتوان سرنگون ساخت. بزه داری هیئت حاکمه ایران هر چه بیشتر شوخ و مزم شود، خلق مبارزه و تحصیل پیروزی را سخ تر خواهد شد. پلنگ از دوز کینه و ترشود. از هم اکنون میتوان امید وار بود که خلق کرد در مبارزه خلقهای ایران بر ضد ارتجاع و امپریالیسم سهم بزرگی ایفا خواهد کرد.

پیروز باد مبارزه قهرامین خلق دلاور فلسطین

حق ملت‌های ایران در تعیین سر نوشت خویش

چنانکه در قرار سازمان ما " درباره مسئله ملی " منتشر در شماره ۱۲ روزنامه توفان (آمد ما ست مارکسیست ها - لنینستی ها باین مسئله از نقطه نظر انقلاب دموکراتیک نویسن در ایران میکنند - استالین میگوید: " مسئله حقوق ملل یک موضوع منفرد و مستقل نبوده بلکه جزئی است از مسئله کلی انقلاب پروولتاریائی، و این جز" مطیع کل بوده و از نقطه نظر کل باید بآن نگاه کرد " . مارکسیست ها - لنینستی ها بر آنند که آنگاه که حکومت طبقات ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم در ایران برقرار می باشد حل رضایت بخش مسئله ملی و برخورداری ملل مختلف ایران از حق تعیین سرنوشت خویش غیر ممکن است . پیروزی انقلاب دموکراتیک نوین در ایران شرط اساسی حل مسئله ملی است . مسئله ملی جزئی از مسئله انقلاب ایران بشمار میرود . از اینجهت همه ملت‌های ایران باید با رهبری حزب واحد طبقه کارگر ایران در راه تحقق بخشیدن به انقلاب دموکراتیک نوین در سراسر کشور کاپردارند تا پیروزی انقلاب مذکور زمینه حل مسئله ملی را فراهم آورد . کسانی از میهن پرستان که می پندارند میتوان با مبارزات کوناکو (و از آنجمله باتوسل بهاسلحه) رژیم موجود ایران را به چنان عقب نشینی هائی در مسئله ملی وارد داشت و وضع آنچنان مباد جدیدی در قانون اساسی نائل آمد که تأمین کنند حق ملت هادر تعیین سرنوشت خویش و بالا اقل تأمین کنند خود مختاری آنها باشد عمیقاً راضی باشند . چنین انتظاری از دولت های ارتجاعی و وابسته به امپریالیسم جز اینک موجب غفلت ملتی کرد و بیا به بند وست های ناپایداری برسد و نهضت ملی را سرانجام به شکست بکشاند نتیجه دیگر نخواهد داشت . اینک نمونه نهضت ملی کرد در کشور همسایه ماعراق در برابرماست . سالهاست که سران ایمن نهضت میگویند مسئله ملی را در دولت های غیر دموکراتیک عراق حل کنند و تاکنون قدمی همه مقصود خود نبرد یک نشدند . ارتجاع عراق منتظر فرصت است که با آمادگی بیشتری به نهضت کرد بپردازد تا بعد ناپدید ساختن آن حمله ور گردد . مسئله ملی در عراق و ایسراز فقط بفتح انقلاب این دو کشور قابل حل خواهد بود .

کسان دیگری که وحدت ملت‌های مختلف ایران را در مبارزه با ارتجاع و امپریالیسم ، بعنوان کوناگون ، بر هم میزنند ، آنها کسی که باین ملت راه نگروری و جدائی از ملت‌های دیگر برمی انگیزند حاصلی جز تفرقه نیروهای ملی و ضد امپریالیستی ، جز تضعیف این نیروها و جز کمک به ارتجاع و امپریالیسم ، جز به عقب انداختن حل مسئله ملی به بار نخواهند آورد . رویزیونیست‌های ایران که بسجای " اتحاد کلافاشده و تاکستی مبارزه طبقاتی پروولتاریائی تمام ملل ساکن یک کشور " ، توصیه میکنند لنینی است ، در واقع به قدرالینیم سازمانی تن در دراد مانند بدان علت است که از انقلاب ایران روی بر تافتند و مسئله ملی را در ایران در اثر منافع شونیستی رویزیونیست‌های شوروی مطرح میسازند . رویزیونیست‌ها مسئله ملی را در چارچوب رقابت بورژوازی های ملل مختلف ایران (مثلاً بورژوازی تهرانی و تبریزی) محدود کرد انیده ماهیت مسئله را که تضاد میان توده های وسیع این ملل از یک سو و امپریالیسم از سوی دیگر است از یاد میبرند . استالین در موقعی که مسئله ملی را در ریوکوسلاوی تحلیل میکرد (ژوئن ۱۹۲۵) نظریه افرادی را که مرتکب اشتباهی نظیر همین اشتباه میشدند و رقابت میان بورژوازی " سلونی " و " کرواسی " را از یک سو و بورژوازی " سرس " را از سوی دیگر اسرار قرار میدادند خطا میسازد . وی چنین سؤال میداد: " امروز که مسئله ملی از صورت مسئله ای محلی و داخلی یک دولت بصورت مسئله ای جهانی ، بصورت مسئله مبارزه مستعمره ها و ملت های وابسته بر ضد امپریالیسم درآمد است ماهیت آن چیست ؟ " و آنگاه چنین پاسخ میآورد: " امروزه ماهیت مسئله ملی مبارزست از مبارزه توده های خلق مستعمره ها بقیه در ص ۳

مناسبت بیست و هفتمین سالگرد تأسیس حزب کارآلبانی

پرتو افکن باد حزب کار آلبانی

حزب کارآلبانی باین اصل مارکسیستی - لنینستی وفادار است که مبارزه طبقاتی در جامعه سوسیالیستی همچنان ادامه دارد و حزب طبقه کارگر بمنظور جلوگیری از احیای سرمایه داری باید به تدابیر خاصی برای انقلابی کردن سراسر جامعه سوسیالیستی و تحکیم دیکتاتوری پروولتاریائی تسلیم جوید اینگونه تدابیر که در سالهای اخیر از طرف حزب کارآلبانی اتخاذ شده ، مبارزه با بورژوازی ، ساده گردن سازمانهای اداری ، فرستادن کارها بعد از ابتدائی دولتی اجرای سیاست پروولتاری در آموزش اجتماعی و غیره و غیره برای کلیه احزاب مارکسیستی - لنینستی دارای اهمیت بسزائی است .

حزب کارآلبانی بر رهبری رفیق انور خوجه در جنبش مارکسیستی - لنینستی جهانی از نفوذ و اعتبار عظیمی برخوردار است و ما یقین داریم که در آینده متنقز با هم بزرگتری در این جنبش بازی خواهد کرد . پرتو افکن باد حزب کار آلبانی - لنینستی

روزنیار گذاری حزب کارآلبانی (۸ نوامبر ۱۹۴۱) روز فرخنده های است . در چنین روزی حزبی بظهور رسید که فقط خلق آلبانی را در مبارزات سیاسی و اجتماعی و در ساختن سوسیالیسم رهبریش بلیک بصورت پاسدار هشیار مارکسیسم - لنینسیم در مقامات جهانی درآمد . حزب کارآلبانی از آغاز تأسیس خود تحت رهبری مارکسیست - لنینست بزرگ رفیق انور خوجه بر پایه استوارتئوری و سیاست انقلابی مارکسیستی - لنینستی مستقر گشت از نخستین روزهای آزادی سوسیالیسم در موکراسی پیرو شده بود ، در آزادی خلق آلبانی بر مبارزه مسلح تکیه کرد ، در راه تحصیل قدرت سیاسی پیوسته به انقلاب قهرآمیز وفادار ماند ، دیکتاتوری پروولتاریا را از گردن دشمنان داخلی و خارجی مصون داشت و در ساختن سوسیالیسم بر نیروی خلق تکیه کرد و کشور آلبانی را کمروزی عقب ماندترین کشور اروپا بود بصورت جمهوری شکر - فان سوسیالیستی درآورد .

در تیر و عظیمی که میان مارکسیسم - لنینسیم و زیکو و رویزیونیسم معاصر از سوی دیگر گرفت حزب کارآلبانی در صفوف مقدس مارکسیست - لنینست ها بصورت روزمند های آزموه و روشن شدن قد هر چه گذشت ، حزب کارآلبانی که در مبارزه با بنده تبهو تجربه اندوخته بود در شناخت ماهیت رویزیونیست های شوروی و افشای آنها و کوییدر مواضع ایدئولوژیک و سیاسی آنها نقش تاریخی خطیر و بر افتخاری بازی کرد و می کند . رویزیونیست های خروش جفی از هیچ توطئه های بر ضد جمهوری توده های آلبانی و حزب بزرگ آن باز نایستادند ، کلیه قرارداد های اقتصادی و بازرگانی طرفین را از هم دریدند ، صدمات عظیم به ساختمان سوسیالیسم در آلبانی وارد آوردند ، به مخرب کاری دشمنان داخلی آلبانی توسل جستند و از تریبون کنگره ۲۲ صریحاً به سرنگون ساختن دولت آلبانی تداد درآوردند . ولی حزب کارآلبانی به رهبری رفیق انور خوجه مانند سنگ خارا بر جای ماند ، پاسداری از مارکسیسم - لنینسیم را و لاتراز هر چیز دیگر دانست و تا نکیه بر توده ها در تیر و در جنبه ایدئولوژیک - سیاسی و اقتصادی به پیروزیهای درخشان نائل آمد .

صفوف سازمان را به گستریم

رفقای سازمانی

باین آموزش رفیق ما توشه دون توجه کنید :

کندند " نیاید از ترس اینکه مباد اعمال دشمن بخوبی رخند درهای آن را بست . رهنمود ما اینست که باید صفوف حزب را جورانه گسترش داد . معذک در حالی که صفوف حزب را جورانه گسترش میدهم نیاید دشمن طیاران سیاسی غافل گدیم و بیگداریم که آنها با استفاده از غفلت ما در صفوف حزب رخند کنند . اگر فقط در فکر یک جانب کار باشیم و جانب دیگر را از دیده فرو گذاریم دچار اشتباه گشته ایم . یگا نصیاست صحیح چنین است : صفوف خود را جورانه بگستریم ولی به هیچ عنصر زیانکاری مجال ورود ندهیم " .

وظائف خود گام برداریم .

گذشته و آینده

باید از گذشته برای آینده پند گرفت . این قولی است که جمعی بر آنند . اما بررسی گذشته فقط بخاطر آنست که بر راه حال و آیند میروا فکند و مبارزان را با روشنی بیشتری بسرنوشت مقصود برساند ، نه آنکه ماراد رخود فریورد و مبارزه باز دارد . اگر باید از گذشته آموخت ، نباید آنچنان در گذشته غرق شد که حال و آیند را فراموش کرد . ما به گذشته مانند کسانیکه میخواهند کوشه پاکوشه هائی از تاریخ میهن ما روشن گردانند نمی نگریم . برای ما آنچه که در درجه اول اهمیت است مبارزه حال و مبارزه آیند است . نگاه ما بگذشته بخاطر این مبارزه است و لا غیر .

سازمان ما که مارکسیسم - لنینسیم و اندیشه مائوتسه دئو راستاره راهنمای خویش قرار داده بایند گرفتن از گذشته و سوا توجه به تضاد های ماهوی جامعه مایک رشته وظایف و در درجه اول وظیفه احیای حزب طبقه کارگر را در برابر خویش قرار داده و در انجام آن با پیگیری میوشد . آیا سازمان ما آنچه که از بررسی گذشته آموخته و آنچه که از شناسائی جامعه ایران در دست دارد بر اساس آن بتعمین وظایف مرم خویش پرداخته میتواند فعالیت خود را آغاز کند و آنرا به پیش براند ؟ بنظر ما پاسخ ایسن سؤال بدون شک مثبت است .

اما سانی هستند که بگذشته چسبیده اند ، گذشته را مفتاح باب آیند می شمارند ، برای آنها بدون آنکه گذشته نهضت کارگری ایران در تمام جزئیات آن روشن شود کویا بهیچگونه فعالیتی نمیتوان دست زد و نباید دست زد . شکست آنکه خود در اینراه کام کوچکی هم بر نمیدارند و آنرا به سازمان ما ارجاع میدهند آنها پیوسته در همه جا گذشته حزب توده ایران را انتخاب هاتوا و مغرور آنرا میمان میکنند . هدف آنها در واقع این است که ما را به گذشته میگردوب کنند و مانع از آن گردند که ما در راه اجرای

چنگ انداختن در گذشته و لجاجت در این امر که بدون تحلیل تاریخ گذشته اقدام به هیچ عملی ممکن نیست یک شبهه مبارزه با سازمان ما است . مخالفین سازمان ما با طرح مسائل مربوط به گذشته کوشیدند رفقای سازمانی ما به این مباحثات پی واقع آنها را از کار شبت باز میدارند و در راهی میاندازند که سرانجام نمیتواند داشته باشد . سازمان ما در طول یک سال فعالیت خود توانسته است افکار روان هان بسیاری را بخود جلب کند . ایسن موفقیت مدیون خط مشی سازمان و پیگیری در پیش بردن آنست . کسانیکه با سازمان ما سر موافقت ندارند به انواع وسائل توسل میجویند از پیشرفت آن جلوگیری و چون ایرادی اساسی به خط مشی و نظریات ما نمیتوانند گرفت ناچار مبارزه خود را در مقاطع دیگری میبرند . مشغول گردانیدن سازمان ما بگذشته حزب توده ایران نیز وسیله ای برای نپل بمقصد است . از اینجهت است که رفقای ما باید در این مسائل هوشیاری بسیاری از خود نشان دهند و در دام مخالفین نیفتند ، در غیر اینصورت مخالفین خوشنود خواهند شد و کار ما پیشرفت نخواهد کرد .

مارکسیست - لنینست های ایران به صحت راهی که بر - کزید مانند ایمان دارند آنها تمام هم خود را بدان مصروف خواهند داشت که برای انجام وظایف خود متناسب با اوضاع و احوال کنکرت راه هائی بیابند و کام بگام به پیش روند . بییقین آنها توانمی را که بر سر راه آنها قرار میگیرد ، با هوشیاری به کار میزنند .

زیان طرح مسائل گذشته برای سازمان ما و رفقای ما بهمین محدود نمیشود . زیان بمراتب بزرگتر و خطرناکتری از آن عاید سازمان ما میگرد . هنگامیکه مسائل مربوط بگذشته حزب توده ایران مطرح میشود مخالفین حزب با آزادی کامل نمیتوانند نظریات خود را بگویند ، برای آنها میدان بیان باز است که در باره " ماهیت خرد بورژوازی " حزب " اشتباهات آن ، وحتی " خیانت " های آن هر مطلبی را کارا ده کنند عنوان نمایند . مقامات امنی ایران که با چنین نظریاتی موافقت دارند از گفته های آنها نه تنها اتخاذ سندی علیه آنها نخواهند کرد بقیه در ص ۳

پیروز باد جنگ توده های خلق قهرمان ویتنام